
علل انحطاط جوامع اسلامی و راهکارهای مقابله با آن از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه و مقام معظم رهبری ظله

زینب طیبی^۱ (نویسنده مسئول)
فاطمه خسروپناه^۲

چکیده

علل انحطاط و عقب ماندگی جوامع از موضوعاتی بسیار مهمی است که نظر دانشمندان اسلامی را به خود جلب کرده است. از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه، انحطاط جامعه اسلامی دو عامل خارجی و داخلی دارد؛ دور بودن از اسلام، جدایی دین از سیاست، اختلاف میان مسلمانان و وابستگی دولت‌ها به ابر قدرت‌های جهان از علل داخلی انحطاط هستند و متحجر نشان دادن اسلام توسط بیگانگان، تفرقه افکنی میان کشورهای اسلامی، استفاده از ذخایر طبیعی مسلمانان و تهاجم فرهنگی ایجاد شده توسط ابر قدرت‌ها، علل خارجی انحطاط جوامع اسلامی به شمار می‌آیند. نتایج این جستار که با روش توصیفی و تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای سامان یافته است، نشان می‌دهد که از نظر مقام معظم رهبری ظله، انحطاط در جوامع اسلامی به خاطر هوس‌های پراکنده، شک و تردید در افراد، نداشتن آرمان

۱. استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. ztayyebi62@gmail.com

۲. طلبه سطح ۲ مدرسه علمیه عالی حضرت آمنه. za.hasani94@gmail.com

صحیح، تقلید از غرب، علم بدون تذکیه، افکار متحجران غرب زده و فقدان آرمان صحیح در مسلمانان است. امام خمینی رحمته الله علیه برای مقابله با انحطاط جوامع مسلمان راهکارهایی چون: بیداری مسلمان‌ها، بازگشت به اسلام اصیل، اعتماد به نفس و خودباوری و افزایش وحدت میان مسلمان‌ها ارائه داده‌اند. مقام معظم رهبری نیز راهکارهایی چون: بهره‌گیری از علم، تقویت رابطه با خدا، جلوگیری از غرور، توجه به شعارهای انقلاب، پایبندی به اصول، دفاع از مظلوم را یاد نموده‌اند.

کلید واژگان: علل انحطاط، بیداری اسلامی، امام خمینی رحمته الله علیه، جوامع اسلامی، مقام معظم رهبری.

مقدمه

انحطاط و عقب ماندگی جوامع اسلامی از مسائل مهمی است که مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. انحراف و انحطاط را می‌توان به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم کرد: عوامل درونی عواملی هستند که از ناحیه مسلمانان صادر شده‌اند و عوامل بیرونی از ناحیه بیگانگان به مسلمانان رسیده است. عقاید در طول زندگی بشر نقش بی‌همتایی داشته است و در واقع جامعه‌ای که عقیده در آن نباشد واقعیت ندارد. آنچه مورد بحث است بی‌توجهی مسلمانان نسبت به عقاید اسلامی و در مقابل، توجه دشمنان نسبت به آن است. انحطاط مسلمین را می‌توان از دو جنبه اجتماعی و سیاسی مورد بررسی قرار داد. به دلیل اهمیت زیادی که این مطلب در جامعه اسلامی دارد ما در این مقاله به آن پرداخته ایم. در این نوشتار بر آنیم تا علل انحطاط مسلمین را از دیدگاه امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام بررسی کنیم و راهکارهای مقابله با آن را بیان کنیم.

از دیر باز انحراف مسلمین دغدغه‌ی پیامبران و عالمان دینی بوده است اما موضوع اصلی ما بررسی این موضوع از نگاه امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام است که افرادی چون عبدالحسین خسروپناه در کتاب آسیب شناسی جامعه دینی و بهرور رشیدی در کتاب امام خمینی علیه السلام و نهضت احیای تمدن اسلامی است. موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام دو کتاب در این موضوع با عنوان‌های خودباختگی و خودباوری، اسلام ناب در کلام امام خمینی علیه السلام به چاپ رساندند.

ضرورت و اهمیت بحث در موضوع، وجود انحطاط در جامعه اسلامی است در صورتی که باید یک جامعه اسلامی در طول زمان پیشرفت عظیمی داشته باشد. هدف کلی این بحث بررسی راهکارهای مقابله با انحطاط در جوامع اسلامی و هدف جزئی آن بررسی علل انحطاط در جوامع اسلامی، علل تفرقه و تجزیه مسلمانان، ضعف ریشه‌های اعتقادی، افراط و تفریط مسلمانان است. سوال اصلی مقاله این گونه مطرح می‌شود که علل انحطاط جامعه اسلامی و راهکارهای مقابله با آن چیست؟ و سوالات فرعی در این مقاله شامل: چه عواملی سبب

تفرقه و جدایی مسلمانان شده است؟ و نقشه ی دشمنان برای انحراف مسلمین چیست؟

۱. مفهوم‌شناسی انحطاط

الانحطاط در لغت از ریشه حَطَّ و در لغت به معنای به عقب برگشتن و عقب افتادگی؛ «عَصُرُ الانحطاط»: دوران عقب افتادگی به ویژه در ادبیات؛ «الانحطاط النفسی»: عقب ماندگی نیروی اندیشیدن (مهیار، ۱۳۷۰: ۱۴۳). انحطاط به معنای هَكَذَا اُنْشَدَهُ الْجَوْهَرِيُّ، كَانَحَطَّ اِنْحِطَاطًا، يَقَالُ: نَحِيْبَةٌ مُنْحَطَّةٌ فِي سَيْرِهَا: حَطَّتْ فِي سَيْرِهَا، وَ اِنْحَطَّتْ، اَيَّ اَعْتَمَدَتْ، وَقَالَ أَبُو عَمْرٍو: اَيَّ اُسْرَعَتْ نِيْزًا اَمَدَةً اسْت (زبیدی، ۱۴۱۴ق: ۲۱۷/۱۰).

این واژه در اصطلاح به این معنا آمده است که اساساً در جوامع بشری، تمدن‌ها و فرهنگ‌ها در بستر تاریخ حرکت می‌کنند و این حرکت در بستر تاریخ همیشه حرکت صعودی نیست؛ یعنی، همیشه حرکت‌ها در یک قوس صعودی واقع نمی‌شود و اتفاق نمی‌افتد. گاهی حرکت‌ها در یک مسیر موجی راه می‌افتد. بدین معنا که جوامع در یک مقطع تاریخ، در سکوی تمدن، دانش و فرهنگ تکیه می‌زند و در یک مقطع دیگری از تاریخ، در حوض انحطاط می‌افتد و بعد دوباره به پا می‌ایستد و بار دیگر احیا می‌شود و به یک جامعه و جغرافیای پیش‌رو تبدیل می‌گردد. پس می‌توان انحطاط را به معنای افول جامعه یا عقب ماندن جامعه از اهداف از پیش تعیین شده تعریف کرد.

۲. علل انحطاط جوامع اسلامی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

پرسشی در آغاز مطرح است که چه شد اسلام در ابتدا با دست خالی و با هیچ ساز برگی قریب به نیم قرن آن قدر پیشرفت داشته است اما حال نظام اسلامی را انحطاط فرا گرفته است! در بررسی علل ضعف و انحطاط مسلمانان برداشت‌های مختلفی وجود دارد: در یک برداشت، علل خارجی و استعمار تأثیر چندانی در انحطاط جوامع اسلامی ندارند و مهم‌ترین علل، علل داخلی به شمار می‌آید و در برداشتی دیگر، عقب ماندگی جوامع اسلامی، به استعمار و عوامل خارجی نسبت داده می‌شود و به زمینه‌های ایجاد شده در داخل برای

حضور استعمار کمتر توجه می‌شود. حضرت امام با نگاهی جامع نگر در علل انحطاط جوامع اسلامی، آن علل را هم داخلی و هم خارجی بیان می‌کند.

۲-۱. علل داخلی

علل داخلی، عللی است که در میان مسلمانان و یا در کشور اسلامی وجود دارد. در واقع مقصر اصلی در به قهقرا رفتن جوامع اسلامی خود مسلمانان هستند. حضرت امام علل داخلی انحطاط مسلمین را اینگونه تقسیم بندی می‌کنند:

۲-۱-۱. فاصله گرفتن از اسلام اصیل و خودباختگی در برابر غرب

از دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله، فاصله گرفتن مسلمانان از اسلام اصیل و تعالیم عزت بخش آن، افزون بر مشکلات گذشته، روزهای بسیار غم‌انگیزتر و نکبت‌بارتری برای جامعه اسلامی در پی خواهد داشت. ایشان می‌فرمایند: «چنان‌که مکرر اعلام خطر کرده‌ام اگر ملت اسلام بیدار نشوند... اگر اسلام واقعی که... ضامن سیادت و استقلال ملل مسلمان و کشورهای اسلامی می‌باشد، به دست عوامل و ایادی اجانب همین طور در زیر پرده سیاه استعماری پوشیده بماند، روزهای سیاه‌تر و نکبت‌بارتری برای جامعه اسلامی در پیش است» (خمینی، ۱۳۶۸: ۸۱).

هنگامی که مسلمانان، اسلام و تعالیم آن را عامل عزت و رشد و تعالی خود ندانند، به یقین، مکتب‌ها و اندیشه‌های دیگر برایشان با اهمیت جلوه می‌کند و این آغاز انحطاط مسلمانان، در طول تاریخ بوده است. در دوران معاصر نیز فرهنگ و اندیشه غربی با برخی پیشرفت‌های مادی، ذهن و فکر بسیاری از نخبگان جامعه اسلامی را به خود مشغول داشته است، به گونه‌ای که این اندیشمندان برای آن‌ها اصالت قائلند و تنها راه پیشرفت جوامع اسلامی را در پذیرش فرهنگ و اندیشه غربی می‌دانند.

در مقابل، حضرت امام خمینی رحمته‌الله منشأ بیشتر بدبختی‌های مسلمانان، بلکه همه ملت‌ها را خودباختگی در برابر غرب و وابستگی فکری به غرب می‌داند: «کمال تأسف است

که کشور ما که حقوق اسلامی و قضای اسلامی و فرهنگ اسلامی دارد، این فرهنگ را، این حقوق را نادیده گرفته است و دنبال غرب رفته است. غرب در نظریه قشری از این ملت جلوه کرده است که گمان می‌کنند غیر از این غرب هیچ خبری در هیچ جا نیست و این وابستگی فکری، وابستگی عقلی، وابستگی مغزی به خارج، منشأ اکثر بدبختی‌های ملت‌ها و ملت ماست» (یوسفی فخر، ۱۳۸۶: ۱۲۳-۱۲۴).

رهبر کبیر انقلاب اسلامی، نقش روشن فکران غرب زده را عامل مهمی در وابستگی جوامع اسلامی به غرب در همه مسائل حتی آداب معاشرت و سخن گفتن می‌داند، در صورتی که در دوره‌ای، این جوامع متمدن، به وحشیگری معروف بودند و اسلام سعی داشت آن‌ها را اصلاح کند. در صدر اسلام افراد کم بودند لکن متهد به ملک خودشان و معتقد به اسلام بودند، برای آنها زندگی آسان مطرح نبود. اینها شهادت می‌خواستند و شهادت را مایه ی سعادت خودشان می‌دانستند و همین سبب شد تا بر امپراطوری ایران و روم پیروز شوند. مسلمین باید اسلام را پیدا کنند، اسلام از دستشان فرار کرده است. ما الان نمی‌دانیم اسلام چیست. اینقدر این غرب به مغز ما خوانده است که اسلام را گم کرده ایم. اگر مسلمین بر حسب امری که خداوند فرموده است «واعتصمو بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا» (آل عمران: ۱۰۳) عمل کنند تمام مشکلات حل خواهد شد (تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶: ۲۹).

۲-۱-۲. جدایی دین از سیاست و ملی‌گرایی

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان عوامل ضعف و انحطاط تمدن اسلامی را به عوامل سیاسی و فرهنگی تقسیم بندی نمود. از جمله مسائلی که سبب گشته است، اداره جوامع اسلامی به دست عده‌ای از وابستگان غربی و شرقی باشد و متعهدان و دلسوزان از آن کناره‌گیری کنند تفکر جدایی دین از سیاست است که این، خود دلیل مشکلات بسیار جوامع اسلامی است. حضرت امام در این باره می‌فرمایند: در ذهن بسیاری، بلکه اکثری، بیشتر از مردم، بیشتر از اهل علم... این است که اسلام به سیاست چه کار دارد... به سیاست چه کار دارد.

حاکمان جوامع اسلامی و استعمارگران با برخی اعمال عبادی اسلام مخالفتی نداشتند؛ زیرا به سیاست آن‌ها زیانی نمی‌رساند. حضرت امام با اشاره به این قضیه تاریخی در دوران اشغال عراق به وسیله انگلیسی‌ها که شخصی بر بالای مناره مشغول اذان گفتن می‌شود که فرمانده انگلیسی‌ها می‌پرسد: آیا این کار او ضرری به سیاست انگلیس دارد؟ می‌گویند ضرری ندارد. فرمانده انگلیسی می‌گوید: بگذارید هرچه می‌خواهد، اذان بگوید، می‌فرماید: «در جوامع اسلامی سیاست یک ننگ تلقی می‌شد و برای توهین می‌گفتند «آخوند سیاسی». آن‌ها می‌خواستند ظاهر اسلام باشد، ولی محتوای اسلام که بسیار مهم است و آن، قیام الله، نهضت الله، جلوگیری از ستم ستمکاران و اجرای عدالت [است]، فراموش شود.»

با وجودی که اسلام از نخستین روزهای ظهور و رشد خود، قومیت‌گرایی و نژادپرستی را نفی می‌کرد، ولی با فاصله گرفتن از صدر اسلام، دوباره ملاک‌های نژادپرستی و قومیت‌گرایی مطرح شد، به گونه‌ای که در کنار بحث جدایی دین از سیاست که از سوی سکولارها مطرح می‌شود، نگاه به ملیت، از اصالت خاصی برخوردار است. حضرت امام این مسئله را یکی از مشکلات و عوامل عقب‌ماندگی‌های مسلمانان عنوان می‌کنند: «آن چیز مهمی که دولت اسلامی را بیچاره کرده است و از ظل قرآن کریم دارد دور می‌کند، آن قضیه نژادبازی است... که اسلام آمد و قلم سرخ روی آن کشید... و میزان را این طور قرار داد: "إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقِيكُمْ" (حجرات: ۱۳؛ ر. ک. خمینی، ۱۳۶۸: ۱/۳۷۸).

آن رهبر کبیر، در موارد گوناگونی با رد ملی‌گرایی، آن را اساس بدبختی مسلمانان می‌شمارد و علت خارجی (استعمار) را در آن دخیل می‌داند: «اینکه من مکرر عرض می‌کنم که این ملی‌گرایی اساس بدبختی مسلمین است، برای این است که این ملی‌گرایی ملت ایران را در مقابل سایر ملت‌های مسلمین قرار می‌دهد... این‌ها نشانه‌هایی است که مستعمرین کشیده‌اند که مسلمین با هم مجتمع نباشند» (همان، ۸۷/۱۳). البته رهبر حکیم انقلاب، حب وطن، حب اهل وطن و حفظ حدود کشور را نیز می‌پذیرد و تعارضی میان آن‌ها و تعالیم اسلام نمی‌بینند، ولی ملی‌گرایی را عاملی برای مقابل هم قرار دادن مسلمانان و ایجاد

شکاف میان آنان برشمرد که بیگانگان برای جلوگیری از گسترش اسلام به آن دامن می‌زنند. قانون اسلام در وضع تشکیل حکومت و وضع مالیات و وضع قوانین حقوقی و جزایی و آنچه مربوط به نظام مملکت است از تشکیل قشون گرفته تا تشکیل ادارات هیچ چیز را فرو گزار نکرد و شماها از آن بی خبرید و همه ی بدبختی ها آن است که مملکتی که همچون قانونی دارد دست خود را پیش اجانب دراز کند و قانون‌های ساختگی آن‌ها را که از افکار مسموم یک مشت خود خواه تراوش کرده است در مملکت خود اجرا کند و از قانون مملکت خود که مملکت دینی خدایی است به طوری غافل باشند که باز گمان کنند اینجا قانون ندارد یا قانونش ناقص است در صورتی که اسلام درباره ی قضاوت چند هزار ماده قانون دارد که انسان با استفاده از آن می‌تواند بهترین طرز و آسان‌ترین کار را انجام دهد (تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶: ۳۵).

۳-۱-۲. وابستگی دولت‌های اسلامی

از جمله عواملی که مشکلات بسیاری را برای مسلمانان به وجود آورده است، وابستگی دولت‌های اسلامی به ابرقدرت‌هاست: «این حکومت‌ها هستند که به واسطه روابطشان با ابرقدرت‌ها و سرسپردگی‌شان با ابرقدرت‌های چپ و راست مشکلات را برای ما و همه مسلمین ایجاد کردند» (خمینی، ۱۳۶۸: ۸۳/۱۳). امام خمینی علیه السلام، دولت‌ها را مقصر اصلی عقب‌ماندگی‌های مسلمانان می‌داند؛ زیرا معتقد است برای حفظ موقعیت خودشان می‌کوشند تا مقاصد شوم ابرقدرت‌ها را در سرزمین مسلمانان به اجرا درآورند. «مشکل اسلام، دولت‌های اسلامی است» (همان: ۱۳۵/۱۴). دشمنانی که به اسلام تسلط پیدا کردند مرد عمل بودند اما مسلمین مرد حرف بودند، خوب شعر می‌گفتند و خوب نظر می‌دادند و وقتی مشکلات مطرح می‌شد خوب طرح می‌دانند اما از حد حرف خارج نمی‌شد و به عمل نمی‌رسید (تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶: ۲۹).

۲-۱-۴. تفرقه و اختلاف میان مسلمانان

تفرقه از مهم ترین عوامل نابودی یک امت و ابزاری همیشگی برای پیشبرد نقشه‌های دشمنان آن است. تفرقه میان یک امت پیامدهای فراوانی به دنبال دارد. ایجاد تفرقه میان مسلمانان به شکل‌های گوناگون است.

۲-۱-۴-۱. اختلاف میان آحاد مسلمانان

با اینکه جمعیت مسلمانان بیش از یک میلیارد است، ولی به دلیل وجود تفرقه میان آن‌ها، ابرقدرت‌ها بر سرنوشته آن‌ها حاکمند: «اسلام همه مسلمان‌ها را وادار می‌کند به اینکه با هم متفق باشید... اگر اختلاف داشته باشید، دچار مشکل می‌شوید... مع‌الاسف می‌بینیم که ما هرچه مصیبت پیدا کردیم از سال‌های طولانی از اختلافاتی است که در داخل خودمان بوده است» (خمینی، ۱۳۶۸: ۷۳/۱۳).

۲-۱-۴-۲. تفرقه و اختلاف میان شیعه و سنی

امام خمینی علیه السلام، در موارد بسیاری اختلاف میان شیعه و سنی را سبب ضعف مسلمانان و تسلط اجانب به آن‌ها مطرح می‌کند: «این دو برادر شیعه و سنی به واسطه دست‌هایی که به کار بوده است، چه از روی تقصیر یا قصور، نتوانسته است اتحادی را که مسلمین باید در مقابل کفار و مشرکین داشته باشند، ایجاد نمایند... این امر موجب ضعف مسلمین و قوت سلطه‌گران گردیده است» (همان، ۴۸۸/۱۶). رهبر کبیر انقلاب از مسلمانان می‌خواهد که دست از این اختلاف بردارند؛ زیرا این اختلاف تنها به سود کسانی خواهد بود که می‌خواهند هم شیعه و هم سنی را از بین ببرند.

۲-۱-۴-۳. اختلاف میان سران کشورهای اسلامی

عدم هم‌بستگی میان سران کشورهای اسلامی سبب شده است ابرقدرت‌ها بر کیان اسلامی تسلط یابند و سران کشورهای اسلامی نیز با خواری در برابر آن‌ها، تن به اطاعت از

آن‌ها دهند: «اگر سران کشورهای اسلامی از اختلافات داخلی دست بردارند و با اهداف عالی‌ه اسلام آشنا شوند... این‌گونه اسیر و ذلیل استعمار نمی‌شوند» (همان، ۲/۳۲۳). امام راحل در خطاب به سران دولت‌های اسلامی به آنان هشدار می‌دهد که از اختلاف دست بردارند؛ زیرا این امر سبب می‌شود ممالک اسلامی زیر سلطه و تاخت و تاز ابرقدرت‌ها قرار گیرند.

مصلح بزرگ جهان اسلام که تفرقه‌افکنی میان سران کشورهای اسلامی را از سیاست‌های قدرت‌های بزرگ می‌داند، معتقد است دولت‌های اسلامی به جای تکیه بر اشتراکات بسیار، با تحریک ابرقدرت‌ها روز به روز بر اختلافاتشان افزوده می‌شود، به‌گونه‌ای که بسیاری از مصیبت‌های مسلمانان به دولت‌های اسلامی باز می‌گردد همچنین دلیل پیروی دولت‌های اسلامی از قدرت‌های بزرگ در گسترش اختلافات را نیز به نداشتن پایگاه مردمی این دولت‌ها مربوط می‌داند.

۲-۲. علل خارجی

علل خارجی همان نقش استعمار و ابرقدرت‌ها در ضعف و انحطاط جوامع اسلامی است. در واقع همان تلاشی که ابر قدرت‌های برای به انحطاط کشیدن جوامع اسلامی می‌کنند.

۲-۲-۱. متحجر نشان دادن اسلام

یکی از نقشه‌های پلید استعمار، متحجر نشان دادن اسلام است، به‌گونه‌ای که می‌کوشد از نظر فکری و فرهنگی و در پی آن، اقتصادی، بر جوامع اسلامی سیطره یابد: «از بدبختی‌هایی که بر دولت اسلامی پیش آمده است، که از جمله آن‌ها این است که... یک مدت زیادی دولت استعمار طلب مشغول شده‌اند پیغمبر اسلام را کوچک کنند... بعدش دنبال این رفتند که احکام اسلام یک احکامی است که مال هزار سال پیش است و حالا چه و چه شده است و مملکت مترقی شده است و امثال ذلك و اسلام نمی‌تواند به آن خواسته‌های ملل را جواب دهد» (خمینی، ۱۳۶۸: ۱/۳۷۸). همچنین: «دست استعمار در ممالک اسلامی یکی از

فعالیت‌هایی که می‌کند، این است که اسلام را به يك طریقت عقب‌افتاده کهنه شده معرفی کند» (همان، ۳۸/۱).

۲-۲-۲. تفرقه‌افکنی میان کشورهای اسلامی

همه اختلافات کشورهای اسلامی، از نقشه‌های استعمار سرچشمه می‌گیرد: «این‌طور نیست که این ممالک اسلامی که با هم اختلاف دارند و اختلاف سرسختانه با هم دارند، گاهی هم به جنگ با هم برمی‌خیزند، از باب اتفاق شده باشد؛ خیر، این نقشه‌های آن ابرقدرت‌هاست» (همان، ۲۳۳/۴).

۲-۲-۳. استفاده از ذخایر طبیعی مسلمانان و ترویج کالاهای مصرفی

با وجودی که مسلمانان از منابع طبیعی بسیار غنی سرشارند، ولی متأسفانه عموم کشورهای اسلامی به دلیل عقب مانده بودن، این فرصت را به ابرقدرت‌ها داده‌اند که آنان با استفاده از این منابع، پیوسته جوامع اسلامی را در این عقب ماندگی نگه‌دارند تا به مقاصد خود دست یابند: «کسانی که اندک تفکری در اوضاع کشورهای اسلامی بنمایند، به وضوح خواهند دانست که آنچه دوا بر قدرت جهان و قدرت‌های تابع این کشورها با هم اتفاق دارند و هیچ‌گاه از این اتفاق دست بردار نیستند، عقب نگه‌داشتن کشورهای جهان سوم خصوصاً کشورهای پهناور و غنی اسلامی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و نظامی است» (خمینی، ۱۳۶۸: ۳۴۲/۱۹). ابرقدرت‌ها همه امکانات خویش را به کار می‌گیرند تا با بهره‌گیری از ذخایر مسلمانان، آن‌ها را از رشد و ترقی بازدارند و به خود وابسته سازند. آنان با تبلیغات تفرقه‌افکن خود در طول تاریخ، دولت‌ها و ملت‌های اسلامی را به اسارت کشیدند، مانع رشد و ابتکار مسلمانان و سبب وابستگی روزافزون مسلمانان به غرب و شرق شدند.

افزون بر استفاده دولت‌های استعماری از منابع طبیعی کشورهای اسلامی، بازارهای کشورهای اسلامی نیز به مراکز رقابت کالاهای غرب و شرق تبدیل گشته و بسیاری از کالاهایی که وارد می‌شود، کالاهای تزئینی، مبتذل و اجناس مصرفی است. وضعیت کنونی بازارهای

اسلامی سبب شده است تا مردم مصرف‌گرا بار آیند و بپندارند بدون کالاهای امریکایی و اروپایی و ژاپنی دیگر نمی‌توان زندگی کرد. ابرقدرت‌ها با غارت ذخایر کشورهای اسلامی سعی دارند آن‌ها را مصرف‌گرا کنند، با توطئه، کشورهای اسلامی را از ابتکار بازدارند و آن‌ها را به غرب و شرق بیشتر وابسته سازند و در نهایت، از این طریق مانع بیداری اسلامی شوند.

۲-۲-۴. تهاجم نظامی و فرهنگی

قدرت‌های بزرگ استعماری برای رسیدن به مقاصد خود، به هر وسیله‌ای توسل می‌جویند و با اینکه مدعی دموکراسی هستند، ولی در صحنه جهانی شاهد کودتاهای بسیاری هستیم که به دست همین مدعیان دروغین دموکراسی به وجود آمده است. علاوه بر آن، با توجه به گستره امکانات اطلاع‌رسانی آنان، تهاجم فرهنگی گسترده‌ای را به راه‌انداخته‌اند: «اینان (ابر قدرت‌ها) برای مقاصد شوم خود، کودتاها به راه‌انداختند و رژیم‌هایی را برچیده و رژیم‌هایی وابسته به خود روی کار آوردند... برای به دست آوردن سلطه استعماری نوبه‌ترین راه را در حمله به فرهنگ‌های ملت دانسته‌اند؛ دانشگاه‌ها را به خدمت گرفتند... از ره آوردهای آن‌ها، مجلس‌های فرمایشی ساختند و حکومت‌های دلخواه به دست آوردند و نظام‌ها را سر تا قدم، غربی یا شرقی کردند» (خمینی، ۱۳۶۸: ۱۹/۳۴۲).

۳. راهکارهای مقابله با انحطاط از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

انحطاط جوامع اسلامی سبب می‌شود تا جلوی پیشرفت مسلمانان گرفته شود و مسلمانان از آرمان تشکیل حکومت جهان اسلام عقب بمانند پس برای مقابله با آن باید راهکاری اندیشید که از دیدگاه امام خمینی علیه السلام می‌توان به چنین راهکارهایی اشاره کرد:

۳-۱. بیداری مسلمانان

حضرت امام خمینی علیه السلام قدم نخست برای عزت و استقلال و پویایی جوامع اسلامی را بیداری آنان می‌داند: «ملتی که بخواهد سرپای خود بایستد و اداره کشور خودش را خودش

بکند، لازم است اول بیدار شود» (خمینی، ۱۳۶۸: ۱۳/۳۸۱)؛ زیرا «تا ما بیدار نشویم و به این توجه نکنیم که ما هم انسان هستیم و ما هم شخصیت داریم و ملت بزرگی هستیم و یک میلیارد جمعیت با همه وسایل داریم، دنبال کار نمی رویم.» از دیگر عوامل پویایی جوامع اسلامی پس از بیداری، شناخت عوامل رفتاری هاست: «مسلمین توجه کنند به اینکه از کجاها این رفتاری ها آمده است و علل این رفتاری ها چیست و راه نجات از آن چیست» (همان، ۲۰۳/۱۷).

۲-۳. بازگشت به اسلام اصیل

حضرت امام خمینی علیه السلام تنها راه بر طرف ساختن مشکلات مسلمانان را بازگشت به اسلام اصیل می داند و از آن با عنوان «اسلام ناب محمدی» یاد می کند. در مقابل نیز برداشت دیگران از اسلام را «اسلام امریکایی» معرفی می سازد. «ما تا به اسلام برنگردیم، اسلام رسول الله... قضیه فلسطین و افغانستان و سایر مکان ها را نمی توانیم حل کنیم» (همان، ۲/۴۳۸). ایشان تنها راه بازیابی عزت و عظمت پیشین اسلام را در سایه پاسداری از قوانین الهی و عمل به قرآن جست و جو می کند. سپس هشدار می دهد اگر مسلمانان بیدار نشوند و اسلام واقعی که ضامن سیادت و استقلال مسلمانان است، به دست عوامل و ایادی اجانب در زیر پرده سیاه استعماری بماند، روزهای سیاه تر و نکبت بارتری برای جوامع اسلامی در پیش است و خطری بزرگ تر متوجه اساس اسلام و قرآن است.

۳-۳. اعتماد به نفس و خودباوری مسلمانان

اعتماد به نفس، رمز رشد و تعالی جوامع بشری است. از این رو، رشد و توسعه غرب به دلیل برتری نژادی آن ها نیست، بلکه آنان با تقویت حس اعتماد به نفس خویش، فقط زودتر از ما کار را آغاز کرده اند. بنیان گذار انقلاب اسلامی معتقد است: «شما متوقع نباشید که همین امروز بتوانید طیاره درست کنید... وقتی این فکر در یک ملتی پیدا شد و این اراده در یک ملتی پیدا شد، کوشش می کند و به دنبال کوشش، این مطلب حاصل می شود» (خمینی،

(۱۳۶۸: ۱۳/۵۳۶).

معمار بزرگ انقلاب با اشاره به تلاش عده‌ای برای وابسته کردن فکر ملت‌ها به غرب و شرق، راه نجات بشر را در این می‌داند که ملت‌ها از وابستگی فکری و فرهنگی بیرون آیند و به توانمندی‌ها و فرهنگ غنی خود توجه کنند: «ما تا نفهمیم که خودمان هم یک شخصیتی داریم، مسلمان‌ها هم یک گروهی هستند و شخصیتی دارند و می‌توانند خودشان هم کار انجام بدهند و تا نخواهیم نمی‌توانیم کاری را انجام دهیم.»

۳-۴. وحدت مسلمانان

از جمله مسائلی که امام خمینی علیه السلام در حل معضلات جوامع اسلامی، آن را بسیار راهگشا می‌دانست، مسئله وحدت مسلمانان بود. در این مقاله، به سه محور اساسی آن اشاره می‌کنیم:

۱-۴-۳. وحدت میان آحاد مسلمانان

وحدت مسلمانان، از مسائلی است که امام خمینی بر آن بسیار تأکید می‌ورزید، به گونه‌ای که از آن به عنوان رمز پیروزی مسلمانان یاد می‌کند و راه حل همه مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن‌ها را در وحدت مسلمانان می‌داند: «اگر مسلمین به حسب امری که خدای تبارک و تعالی فرموده است: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آل عمران: ۱۰۳)، اگر به همین یک امر و نهی عمل می‌کردند، تمام مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی‌شان رفع می‌شد و هیچ قدرتی نمی‌توانست با آن مقابله کند.» بنابراین، می‌توان گفت رمز پیروزی مسلمانان، وحدت کلمه است. امام خمینی در این باره فرموده است: «پشت کردن به تعالیم عالیه اسلام... مسلمین را با قریب یک میلیارد جمعیت و مخازن بسیار غنی تحت سیطره اجانب درآورده... پس مسلمین باید برای استقلال و آزادی این کلید پیروزی را به دست آوردند و برای وحدت کلمه کوشش کنند» (خمینی، ۱۳۶۸: ۱۷۰/۷).

۲-۴-۳. وحدت شیعه و سنی

با توجه به اینکه دشمنان اسلام می‌خواهند با اختلاف پراکنی میان برادران شیعه و سنی بر همه ممالک اسلامی سلطه یابند، بر همه مسلمانان لازم است با وحدت خود جلوی این سلطه را بگیرند: «باید همه ما توجه داشته باشیم که مبادا يك وقت تبلیغی شود که اهل سنت را با ما جدا کردند، باید ما با هم برادر باشیم و نگذاریم دیگران بیایند همه چیزمان را ببرند و ما بنشینیم سر چیزی که نباید دعوا بکنیم» (همان، ۴۳۹/۱۳).

۳-۴-۳. وحدت دولت‌های اسلامی

از عواملی که می‌تواند کشورهای اسلامی را قدرتمند سازد و آن‌ها را در برابر قدرت‌ها مستحکم نگه دارد، وحدت دولت‌ها و سران دولت‌های اسلامی است: «دولت‌ها اسلامی باید به منزله يك دولت باشند، کأنه يك جامعه هستند... این آمال حاصل بشود که بین دولت‌های اسلامی از همه جهات وحدت پیدا بشود، امید است که به مشکلات خودشان غلبه کنند و يك قدرتی بزرگ‌تر از قدرت‌های دیگر در مقابل سایر قدرت‌ها باشند» (همان، ۱۹۹/۷) حضرت امام رمز پیروزی دولت‌ها را وحدت کلمه می‌داند و می‌فرماید: «رمز پیروزی دولت‌ها، وحدت کلمه است» (همان، ۳۰۸/۸). امام خمینی علیه السلام ضمن تأکید بر بیداری اسلامی و توجه به منابع انسانی، مادی و معنوی مسلمانان، از آن‌ها می‌خواهد که مجد و عظمت جهان اسلام را بار دیگر احیا سازند و با اتحاد مسلمانان و دولت‌های اسلامی، بزرگ‌ترین قدرت را شکل دهند. از این رو، می‌فرماید: «من امیدوارم که همه ملت‌های اسلام که به واسطه تبلیغاتی که این‌ها را از هم متفرق کردند و مقابل هم قرار دادند، بیدار شوند و همه با هم بشوند، یک دولت بزرگ اسلامی، یک دولت زیر پرچم لا اله الا الله تشکیل بدهند و این دولت به همه دنیا غلبه بکند» (خمینی، ۱۳۶۸: ۱۷۹/۱۵).

۴. بررسی انحطاط جوامع اسلامی از نگاه قرآن توسط مقام معظم رهبری علیه السلام

علت انحطاط مسلمین در قرآن کریم ترک نماز، پیروی از شهوات و دنیا طلبی است.

قرآن در دو جا اشاره می‌کند به انحطاط ملت‌هایی که اول ایمان آوردند، بعد در نسل بعد دچار انحطاط شدند. یک جا در سوره‌ی مریم است که می‌فرماید: فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا؛ (مریم: ۵۹) یعنی اولی‌ها مبارزه کردند و ایمان آوردند، منتها بعد - معنای «خَلَف» با سکون لام، با «خَلَف» با فتحه‌ی لام، ضد هم است؛ «خَلَف» یعنی بازمانده‌ی بد، «خَلَف» یعنی بازمانده‌ی خوب؛ اینجا می‌گوید: فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ - بازمانده‌های بدی روی کار آمدند که «أَضَاعُوا الصَّلَاةَ»؛ اولین کارشان این بود که نماز را ضایع کردند؛ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ؛ دنبال شهوات رفتند، دنبال شهوات شخصی رفتند؛ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا؛ این دو عامل - عامل ضایع کردن نماز و دنباله‌روی از شهوات - این نیروهایی را که باید در مقام جهاد و مبارزه ایستادگی کنند و این ایستادگی قطعاً به پیروزی منتهی خواهد شد، در یک جای دیگر همین موضوع در سوره‌ی اعراف [آمده]: (فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَصَ هَذَا الْأَدْنَى) (اعراف: ۱۶۹؛ برگرفته از بیانات در دیدار با دانشجویان: ۹۵/۴/۱۲).

۵. علل انحطاط جوامع اسلامی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب علیه السلام

دنیا در حال تغییر است و نظم جدیدی در حال نطفه بندی است و ما وظایف مهم‌تری داریم. نظم دو پایه‌ی اساسی دارد: یک پایه‌ی فکری و ارزشی، و یک پایه‌ی عملی، یعنی نظامی و سیاسی که هر دو پایه امروز دچار چالش و تزلزل شده. پایه‌ی اخلاقی و فکری ادعای برتری فکری و ارزشی غرب - شامل اروپا و آمریکا - بر بقیه‌ی مناطق جهان و بقیه‌ی ملل عالم است. شعارهایی را مثل شعار آزادی، شعار دموکراسی، شعار حقوق بشر، شعار دفاع از ملتها مطرح کردند که جذاب و فریبنده است.

بخش عملی مسئله‌ی توانایی‌های سیاسی و نظامی است که اگر ملتها یا دولتها یا جریانهای گوناگونی تحت تأثیر آن نظام ارزشی و آن جنبه‌ی اول قرار نمی‌گرفتند و تسلیم نمی‌شدند و ایستادگی می‌کردند، با فشار سیاسی و با فشار نظامی با آنها برخورد می‌کردند و آن‌ها را مجبور به همراهی می‌کردند (برداشتی از بیانات در دیدار اعضای خبرگان: ۹۳/۶/۱۳،

موارد بسیاری عوامل انحطاط و عوامل پیشرفت جامعه اسلامی را بیان فرموده‌اند و در نشست‌های گوناگون و به مناسبت‌های مختلف عوامل پسرفت در جامعه را نام برده‌اند. از جمله علل انحطاط جوامع اسلامی که از سخنان ایشان برداشت می‌شود عبارت است از:

۵-۱. عوامل داخلی

عوامل داخلی انحطاط جوامع اسلامی از دیدگاه رهبری به شرح ذیل است.

۵-۱-۱. بی‌خبری مردم از مسائل کشور

طبق نظر مقام معظم رهبری علیه‌السلام ایران در طول تاریخ خود فراز و نشیب‌ها و به عبارتی عزت و ذلت‌هایی داشته است. در زمان قبل از انقلاب مردم از سیاست کشور خودشان بی‌خبر بودند چه برسد به سیاست کشورهای دیگر و در نتیجه آن، تأثیری هم در فعل و انفعالات آن نداشتند. طبق فرموده ایشان: قبل از انقلاب در حوزه اقتصاد، وضع ما روزبه‌روز به طرف انحطاط بیشتر حرکت می‌کرد. در حوزه علم و فناوری، به کلی عقب‌مانده بودیم؛ هیچ دستاورد علمی‌ای که قابل توجه و قابل عرضه باشد، در مقابله با حرکت عظیم علمی در دنیا نداشتیم (بیانات در مراسم بیست و سومین سالگرد رحلت امام خمینی علیه‌السلام: ۹۱/۳/۱۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19996>)

۵-۱-۲. ضعف دولت‌های اسلامی

در سیاست داخلی خودمان، دستخوش سیاست‌های بیگانگان بودیم. استعمارگرها، قدرتهای مسلط دنیا، بر روی حکومت‌های ما اثر می‌گذاشتن و قدرتهای مسلط ما، هیچ عکس‌العمل شایسته‌ی انسانی افتخارآمیزی از خودشان نشان نمی‌دادند. حتی در زمینه‌ی حفظ تمامیت ارضی کشور، حفظ حاکمیت دولتها، ضعف خجالت‌آوری را در این دوران دوپست ساله مشاهده و تجربه کرده‌ایم. البته در این میان، استثنائی هم وجود داشت: مثلاً

امیرکبیر که سه سال بر سرکار آمد یا فتوای میرزای بزرگ شیرازی که توانست قضیه‌ی تنباکورا فیصله بدهد یا علما در قضیه‌ی مشروطیت دخالت کردند یا نهضت ملی شدن نفت در یک دوره‌ای به راه افتاد. همه‌ی اینها کارهای کوتاه‌مدت، موقت و بعضاً به کلی ناکام بود؛ اما روال کلی، حرکت کلی، حرکت ذلت بود که بر این ملت دارای موارث عظیم تاریخی تحمیل شده بود (همان).

۳-۱-۵. دور شدن از شعارهای انقلاب

جمهوری اسلامی آن وقتی واقعاً جمهوری اسلامی است که با همان مبانی مستحکم امام، همان چیزهایی که در دوران حیات مبارک امام مطرح بود، شعار بود، با جدیت دنبال می‌شد و با همان شعارها پیش می‌رود. هر جا با آن شعارها پیش رود پیشرفت می‌کند و پیروز است و هر جا منفعت دنیائی با آن بوده و از آن شعارها عقب‌نشینی کرده است و به دشمن میدان داده است، عزت به دست نیامده است و دشمن پیشتر آمده است؛ از لحاظ مادی هم ضرر کرده است (خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران: ۸۸/۶/۲۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8033>).

۴-۱-۵. هوس‌های پراکنده

هوس‌های پراکنده به دو معنا است: معنای ساده‌تر اینکه انسانها در هر بخشی از بخشهای جامعه یا در هر بخشی از بخشهای روی زمین دارای خواسته‌ها و جهت‌گیری‌های ویژه‌ی خودشان باشند و آرمانهای مشترکی در جامعه وجود نداشته باشد. معنای دوم این است که هوس‌ها در سطح زندگی مردم پراکنده شده باشد؛ یعنی در سراسر عالم چند قطب و چند قدرت بیشتر وجود ندارد و هر جا هر طاغوتی در رأس یک جامعه‌ای قرار دارد بنابراین هوس یک انسان در بخش عظیمی از جامعه‌ی بشریت و خانواده‌ی بشریت مشاهده می‌شود و محسوس و ملموس است که دنیا در یک چنین وضعی بوده است.

۵-۱-۵. شک و تردید

یکی از ترفندهای تبلیغاتی دشمن همین است که ذهنها را به نحوی دچار تردید بکند که آینده چه خواهد شد؟ متأسفانه بعضی از افراد ساده دل وقتی می‌بینند کشور به سمت سازندگی و آبادی پیش می‌رود، به جای کمک و همکاری یک هاله‌ای از ابهام و شک را بر همه چیز می‌گسترانند و مردم را دچار تردید می‌کنند. حضرت آیت الله خامنه‌ای تأکید می‌کند که کسانی که حرفی می‌زنند و اظهار نظری می‌کنند، مواظب باشند که مبدا برطبق خواست دشمن و برطبق خواست استکبار حرف بزنند؛ دشمن می‌خواهد که مردم در تلاش و سازندگی خودشان دچار شک و تردید بشوند (بیانات رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2224>، ۶۸/۹/۱).

۵-۱-۶. تقلید از غرب

ایشان در صحبت‌ها و در دیوارهای متعددی در مورد تقلید از غرب سخن گفته‌اند و نسبت به آن تذکر داده‌اند ایشان با تأکید بر اینکه نهضت‌های بیداری اسلامی باید به تجربه‌ی تلخ و وحشتناک تبعیت از غرب در سیاست و اخلاق و رفتار و سبک زندگی، توجه دائم داشته باشد. می‌فرمایند: کشورهای مسلمان در بیش از یک قرن تبعیت از فرهنگ و سیاست دولتهای مستکبر، به آفات مهلکی همچون وابستگی و ذلت سیاسی، فلاکت و فقر اقتصادی، سقوط فضیلت و اخلاق، عقب‌ماندگی خجلت‌آور علمی، دچار شدند و این در حالی بود که امت اسلامی از سابقه‌ای افتخارآنگیز در همه‌ی این عرصه‌ها برخوردار بود. این سخن را نباید به معنی دشمنی با غرب دانست. ما با هیچ گروهی از انسان‌ها به خاطر تمایز جغرافیائی، دشمنی نداریم. ما از علی (علیه‌السلام) آموخته‌ایم که درباره‌ی انسان‌ها فرمود: «أما أخ لك في الدين أو نظير لك في الخلق» ادعای ما، علیه ظلم و استکبار، تحکم و تجاوز، فساد و انحطاط اخلاقی و عملی است که از سوی قدرتهای استعماری و استکباری بر ملت‌های ما وارد شده است. هم‌اکنون نیز تحکّمها و دخالتها و زورگوئی‌های آمریکا و برخی ایادی‌هایش در منطقه را در کشورهایی که نسیم بیداری در آنها به طوفان قیام و انقلاب بدل

شده است، مشاهده می‌کنیم.

وعده‌ها و وعیدهای آنان نباید در تصمیم‌ها و اقدام‌های نخبگان سیاسی و در حرکت عظیم مردمی اثر بگذارد. در اینجا نیز باید از تجربه‌ها درس بیاموزیم. آنها که در طول سالیان به وعده‌های آمریکا دل خوش کرده نتوانستند گرهی از کار ملت خود بگشایند باید از این تهدید الهی بیمناک باشند که فرمود: «ألم تر الی الذین بدّلوا نعمت الله کفرا واحلّوا قومهم دارالبوار. جهنّم یصلونها و بئس القرار (ابراهیم: ۲۸)» (بیانات رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی: ۲۳/۰۷/۹۱، ۲۱۲۵۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>).

۷-۱-۵. علم بدون تزکیه

آیه «یزکّیهم ویعلّمهم الکتاب والحکمة» (آل عمران: ۱۶۴) می‌فرماید که علم باید با تزکیه همراه باشد و اگر علم همراه با تزکیه نباشد فاجعه به بار می‌آید و بدون تزکیه، علم هم ابزاری برای فساد و انحطاط و گمراهی و سقوط بشر خواهد شد؛ همچنان که امروز در دنیا، علم وسیله‌ی سقوط بشر است و از علم برای به زنجیر کشیدن ملت‌ها و دگرگون جلوه دادن حقایق و گرسنگی دادن به انسان‌ها استفاده می‌کنند. همین سلاح می‌تواند در دست انسان صالح، وسیله‌ی دفاع از انسان‌ها، حقوق مردم و خانواده باشد بنابراین علم را بایستی آن وقتی در دست گرفت که با تزکیه همراه باشد.

۸-۱-۵. افکار متحجران غرب زده

مقلدان، انسان‌هایی هستند که طالب توسعه و رشد و پیشرفت هستند اما راه را در تقلید مطلق از الگوهای غربی جستجو می‌کنند امروز روحانیت و اسلام، راه و جایگاه خود را کاملاً پیدا کرده‌اند؛ اما افکار انحرافی، به کلی از بین نرفته و ریشه‌کن نشده است. کسانی که هنوز نتوانسته‌اند جلوه‌ی انقلابی اسلام را درک کنند، هنوز هم در حوزه‌ها و در کسوت روحانیت هستند. آنها کسانی هستند که قلب‌های آنان به جای کینه‌ی آمریکا و دشمنان، جایگاه کینه‌ی مجاهدان فی سبیل الله و جوانان مؤمن و پرچمداران حقیقت است، در حوزه‌ها

و بیرون از حوزه‌ها نیز پیدا میشوند. همان متحجرانی که امام مکرر اشاره کردند - یعنی دوستان و شیفتگان اسلام امریکایی؛ اسلامی که روحانیت و دین و معنویت را از مسیر خود و از مردم و خدا دور می‌کند و مایه‌ی شادی و آسایش دل دشمنان خدا میشود - هنوز هستند. در همه‌ی جبهه‌ها، حضور جوان‌های مؤمن و فعال و فضیلتی جوان در سمت هدف‌های انقلاب، یک ضرورت است (بیانات رهبری، ۶۸/۱۲/۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2268>).

۹-۱-۵. نداشتن آرمان صحیح

جامعه بدون آرمان، بدون مکتب، بدون ایمان، ممکن است به ثروت برسد، به قدرت برسد، اما آن وقتی هم که به ثروت و قدرت برسد، تازه می‌شود یک حیوان سیر و قدرتمند - و ارزش انسان گرسنه از حیوان سیر بیشتر است - اسلام این را نمی‌خواهد. اسلام طرفدار انسانی است که هم برخوردار باشد، هم قدرتمند باشد، و هم شاکر و بنده‌ی خدا باشد؛ جبهه عبودیت بر خاک بساید (بیانات رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی: ۲۳/۰۷/۹۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>).

۲-۵. عامل خارجی

عوامل خارجی انحطاط جوامع اسلامی از دیدگاه رهبری به شرح ذیل است.

۱-۲-۵. حیل‌های دشمن برای انحطاط میان مسلمانان

حیل‌های دشمنان اسلام به کار می‌برند تا جوامع اسلامی را به انحطاط بکشند. که جزو عوامل خارجی برای به انحطاط کشیدن جوامع اسلامی است. ایجاد شکاف در میان ملت، به جان هم انداختن آحاد ملت، فاصله ایجاد کردن بین توده‌ی عظیم مردمی کشور با مسئولین، ایجاد سوءظن، ایجاد بگومگو بر سر قضایای هیچ و پوچ و همچنین فساد اخلاقی، انحطاط اخلاقی که به عنوان ابزار در خدمت هدف‌های سیاسی استکبار است؛ همان طور که در بسیاری از مراکز عالم، برای ضایع کردن و نابود کردن یک ملت - و البته در کنارش پول

درآوردن - مواد مخدر را هم به عنوان یک ابزار در خدمت اغراض سیاسی قرار می‌دهند (بیانات رهبری در دیدار مردم اصفهان در روز عید قربان: ۸۹/۸/۲۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10608>).

۶. راهکارهای مقابله با انحطاط از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام

خدمت به تعالی انسان هدف حقیقی و اصلی پیشرفت‌ها و برجستگی‌های بشری است. علم و هنر در ذات خود، موهبت‌های الهی می‌آید. ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی، باید این پدیده‌های متعالی را در خدمت اسلام و معنویت و تعالی بشر قرار بدهند. حفظ هویت و شاکله باطنی یک ملت را منوط به برطرف کردن نقایص و اصلاح رخنه‌های احتمالی در فرهنگ است (برگرفته از دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی با رهبرانقلاب، ۹۰/۳/۲۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18292>).

۶-۱. بهره‌گیری از علم

در قرآن کریم آمده است: «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق: ۵). آموخت به انسان چیزی را که نمی‌دانست». مقام معظم رهبری علیه السلام در توضیح این آیه می‌فرمایند: اینها نعمت‌های خداست درباره‌ی انسان. پس انسان باید این نعمت‌ها را شکر کند. وقتی خدا راه را به انسان نشان داده، قلم را به انسان داده، انسان را خردمند کرده و آموزش داده، پس انسان بایستی به طرف قله‌ی اوج برود و نباید یک لحظه انحطاط داشته باشد.

دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم. ما هنوز از قله‌های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قله‌ها دست یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲،

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

۲-۶. محکم کردن رابطه انسان با خدا

انسان باید رابطه خود را با خدای متعال مستحکم کند، عیب بزرگ دنیای مادی غرب، قطع رابطه‌ی انسان با خدا است که نتیجه آن انحطاط معنوی و لغزش‌های اخلاقی فراوان می‌شوند و دچار نومیدی می‌شوند و جوان‌هایشان دچار سرگردانی و سرگشتگی می‌شوند؛ پس روزه‌روزی تمدن غرب دارد افول می‌کند؛ چون رابطه‌ی با خدا را قطع کرده‌اند. راز پیشرفت یک انسان به صورت شخصی و فردی، و یک جامعه به صورت جمعی حفظ رابطه‌ی خود با خدا است پس باید ارتباط را با خدا حفظ کرد (بیانات رهبری در مراسم جشن تکلیف دانش‌آموزان: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=35137>، ۹۵/۹/۲۳).

۳-۶. جلوگیری از غرور در انسان

هر فردی باید از زندان نفسانیت و خودبینی و غرور، خود را خارج کند و از بیرون به خود بنگرد. همه ما به این تحوّل احتیاج داریم. ما باید نقص‌های خود را برطرف کنیم پس باید آنها را ببینیم و آنها را بشناسیم. اگر خودمان را مطلق دانستیم، مغرور شده‌ایم. خیال کرده‌ایم نقصی نداریم به فکر علاج نمی‌افتیم. پیغمبران، وائمه هدی دائم چکشی به دست گرفته بودند و بر سر نفس فرود می‌آوردند. نفس، یعنی آن بُعد انحطاط‌گرای وجود ما؛ آن بُعدی که شهوات را به ما القا و تلقین می‌کند و ما را به آن می‌کشاند. ضعف‌ها و نقص‌های ما از آن جاست. باید خودنگری داشته باشیم تا ضعف‌ها را ببینیم. ملت هم از روزی که متوجه نقایص خود شد؛ خود باوری پیدا کرد و ترقی کرد (بیانات رهبری در دیدار پرسنل فرماندهان ارتش: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2793>، ۷۵/۱/۲۸).

۴-۶. توجه به نقش جوانان در پیشرفت کشور اسلامی

باید یک حرکت عمومی در کشور راه بیفتد؛ البته باید سرعت پیدا کند و پیشرفتش به سمت آن چشم‌انداز محسوس باشد. این حرکت طبعاً با محوریت جوان متعهد است؛ جوان‌های متعهد، محور این حرکتند. برای ورود جوانان به صحنه به چند عامل نیاز است:

عنصر اول این است که جوان باید از صحنه یک شناختی داشته باشد؛ یعنی این کسانی که این حرکت را انجام می دهند یا محور این حرکت اند یا لاقط تحریک کننده ی این حرکت اند، بایستی صحنه را درست بشناسند، عناصر درگیر در این صحنه را بشناسند. عنصر دوم این حرکت باید یک جهت گیری مشخصی داشته باشد؛ یک جهت گیری منطقی و قابل قبول، که در حرکت عمومی ملت ایران که ما داریم پیشنهاد می کنیم این جهت گیری، جهت گیری به سمت جامعه ی اسلامی یا تمدن اسلامی است؛ یعنی می خواهیم برویم به سمت تشکیل یک جامعه ی اسلامی؛ و حرکت عمومی، ما را باید به اینجا و در نهایت به یک تمدن پیشرفته ی اسلامی برساند. عنصر سوّمی که [این حرکت] نیاز دارد، این است که یک عامل امیدبخشی باید وجود داشته باشد، یک نقطه ی روشنی باید وجود داشته باشد. در هر حرکتی اگر چنانچه این نقطه ی روشن، این نقطه ی امیدبخش وجود نداشته باشد، حرکت پیش نمی رود. این خوشبختانه در کشور ما، در دسترس است؛ نقطه ی روشن عبارت است از ظرفیت های ملی ای که ما این ها را شناخته ایم. عنصر چهارم این است که بالاخره در هر برهه ای راهکارهای عملی لازم است. راهکارهای عملی باشد، احتیاج دارد به هدایت، تمرکز، پیگیری، فعالیت پی در پی و لحظه به لحظه برای اینکه بتواند این کاروان عظیم جامعه را و مهم تر از همه جوان های جامعه را به پیش ببرد. این هدایت به عهده ی مجموعه هایی از خود ملت است. همان نخبه های فکری در زمینه های گوناگون مورد نیاز در میان جوانان و در میان مسئولین، تشکّل های دانشجویی، مجموعه های باتجربه و فعال در زمینه های فرهنگی و فکری که باید برنامه ریزی کنند و هدایت کنند (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان: ۹۸/۳/۱).

مقام معظم رهبری علیه السلام در سخنان خود روشنفکران، نخبگان، علمای دینی، فعالان سیاسی و در رأس همه، حکومت و حاکمان را قطب های تأثیرگذار در فرهنگ ملت ها می داند زیرا آنان هم توانایی تقویت فرهنگ و هم زمینه تضعیف و یا انحطاط آن را دارند (دیدار اعضای شورا عالی انقلاب فرهنگی: ۹۰/۳/۲۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech->

content?id=18292). مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. انبوه جوانانی که با روحیه‌ی انقلابی رشد کرده و آماده‌ی تلاش جهادی برای کشورند (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

۵-۶. انقلاب اسلامی ملت ایران

انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چلّه‌ی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه‌ی وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دوّمین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است (همان).

۶-۶. آغاز عصر جدید

آن روز که جهان میان شرق و غرب مادّی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. چپ و راست مدرنیته، از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گوناگون برای خفه کردن آن، هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیک‌تر شدند (همان).

۷-۶. شعارهای انقلاب

برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آنها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه‌ی عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت،

استقلال، عزت، عقلانیت و برادری هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند (همان).

۸-۶. نظام انقلابی

انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بینند، بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند (همان).

۹-۶. پایبندی به اصول

جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود به شدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان به شدت حساس است. با خطوط اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمی‌کند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند (همان).

۱۰-۶. دفاع از مظلومان

این انقلاب از آغاز تا امروز بی‌رحم و منفعل نبوده است. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است (همان).

نتیجه‌گیری

هدف از تشکیل جامعه اسلامی، پیشرفت جامعه بر اساس آموزه‌های اسلام است. مبنای حکومت اسلامی هم پیشرفت و تعالی انسان‌هاست پس اگر افولی در جامعه پدید بیاید نشان از دور بودن از اسلام و دور شدن از آموزه‌های دین دارد. در این تحقیق تلاش شده است که با توجه به نظرات دو حاکم اسلام شناس عواملی که سبب افول جامعه اسلامی شده است یا سبب کاهش رشد شده است بررسی شود و عوامل انحطاط این جوامع شناخته شود. تا از افول آن جلوگیری شود. از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه انحطاط جامعه‌ی مسلمین دو

عامل خارجی و داخلی دارد.

دور بودن از اسلام، جدایی دین از سیاست، اختلاف میان مسلمانان و وابستگی دولت‌ها به ابر قدرت‌ها را می‌توان از عوامل داخلی شمرد، اما از عوامل خارجی می‌توان متحجر نشان دادن اسلام توسط بیگانگان، تفرقه افکنی میان کشورهای اسلامی نام برد همچنین می‌توان از عوامل چون استفاده از ذخایر طبیعی مسلمانان و تهاجم فرهنگی ایجاد شده توسط ابر قدرت‌ها یاد کرد.

از نظر مقام معظم رهبری علیه السلام انحطاط در جوامع اسلامی به خاطر هوس‌های پراکنده، شک و تردید در افراد، نداشتن آرمان صحیح، تقلید از غرب، علم بدون تذکیر، افکار متحجران غرب زده و فقدان آرمان صحیح در مسلمانان است. امام خمینی برای مقابله با انحطاط جوامع مسلمان راهکارهایی چون: بیداری مسلمانان، بازگشت به اسلام اصیل، اعتماد به نفس و خودباوری و افزایش وحدت میان مسلمانان ارائه داده‌اند. مقام معظم رهبری نیز راهکارهایی چون: بهره‌گیری از علم، تقویت رابطه با خدا، جلوگیری از غرور، توجه به شعارهای انقلاب، پایبندی به اصول، دفاع از مظلوم را نام برده‌اند. البته نکته بسیار مهمی که سبب انحطاط جوامع میشود و معظم له بسیار روی آن تأکید دارند تقلید کورکورانه شیفتگان غرب است تقلیدی که بخواهند عین الگوی غرب را در کشور پیاده کنند. البته ایشان با استفاده کردن از تجربیات کشورهای مختلف مخالف نیستند بلکه تأکید ایشان پیاده نکردن ساختار غرب در کشور است چراکه هر کشوری با توجه به اعتقادات و روحیات مردم آن کشور ساختار خود را می‌بندد و پیاده کردن ساختار مخصوص کشورهای غربی روی دیگر کشورها کار صحیحی نیست. اگر عوامل ضعف در جامعه اسلامی از بین برود و جامعه اسلامی به معنای واقعی در کشور محقق شود یا حداقل به آن نزدیک شود ثبات حکومت اسلامی تقویت می‌شود و انسان به خصوص شیعه به هدف آرمانی خود یعنی حکومت عدل جهانی نزدیک می‌شود. زیرا جمهوری اسلامی مقدمه همان حکومت جهانی است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰.
۲. ارجینی، حسین، «عوامل انحطاط و پویایی جوامع اسلامی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام»، فصل نامه پژوهشی مطالعات اسلامی، ۱۳۸۷.
۳. خامنه‌ای، سید علی، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تهران، دفتر نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷.
۴. خسروپناه، عبدالحسین، آسیب شناسی جامعه‌ی دینی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۴.
۵. خسروپناه، عبدالحسین، منظومه فکری آیت الله عظمی خامنه‌ای، قم، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۹۶.
۶. خمینی، روح الله صحیفه امام، تهران، تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸.
۷. خمینی، روح الله، جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۸.
۸. رشیدی، بهروز، امام خمینی علیه السلام و نهضت احیای تمدن، قم، چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۷.
۹. زبیدی، مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۰، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. عالمیان، علی اکبر، عوامل انحطاط و عقب ماندگی مسلمانان، قم، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۹.
۱۱. علی خوانی، محمد؛ حاضری، علی، خودباختگی و خود باوری از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، تهران، تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۷.
۱۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۰.
۱۳. موثقی، سید احمد، جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران، سمت، ۱۳۷۴.
۱۴. مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی، تهران، اسلامی، ۱۳۷۰.
۱۵. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، اسلام ناب در کلام امام خمینی علیه السلام، تهران، تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۶.

۱۵. میرزا، عبداله‌اشم، عوامل انحطاط و سقوط مسلمین از دیدگاه قرآن، قم، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۹.
۱۶. یوسفی فخر، سیدحسین، کرامت انسان در آثار امام خمینی علیه السلام «مآخذشناسی»، تهران، عروج، ۱۳۸۶.
۱۷. یوسفی، هدایت، ریشه‌های انحطاط و عقب‌ماندگی مسلمانان در اندیشه امام خمینی علیه السلام، قمف مرکز پژوهشی صدا و سیما، ۱۳۸۵.
۱۸. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه‌ای: khamenei.i